



## بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در نخستین روز سال 1396 - 1 / فروردین / 1396

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين  
الاطهرين المنتجبين الهداة اللهم صلّ على فاطمة و ابيها و بعلمها و  
صلّ على وليك

عدد ما احاط به علمك، صلاة دائمة بدوام ملكك و سلطانك، اللهم سلّم على وليك على بن موسى الرضا عدد ما احاط  
به علمك سلاماً دائماً بدوام مجدك و عظمتك و كبريائك. اللهم كن لوليّك الحجّة بن الحسن صلواتك عليه و على  
آبائه في هذه السّاعة و في كلّ ساعة وليّاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عينا حتى تسكنه ارضك طوعاً و تمتعه  
فيها طويلاً.

یک سال دیگر و یک بار دیگر خدای متعال این توفیق را به ما داد که در زیر سایه‌ی بقعه‌ی مبارکه‌ی علی بن موسی  
الرضا (علیه السلام) در جمع شما برادران و خواهران حضور پیدا کنیم و ضمن همدلی و هم‌زبانی با این آحاد  
جمعیت عظیم و مؤمن و پرشور، مطالبی را در زمینه‌ی مسائل کشور، مسائل انقلاب، مسائل اصلی و اساسی در میان  
بگذاریم. خدای متعال را بر این توفیق سپاسگزارم. جمع پرشور متراکمی که در این رواق مطهر (۲) و در اطراف این  
محل، اعم از مجاوران مشهد مقدّس و زوّار محترمی که به جاذبه‌ی [این] امام بزرگوار، به این منطقه و به این استان و  
به این شهر تشریف آورده‌اند، همه مایلند و همه مشتاقند که سخن دل انقلاب و نظام را در زمینه‌ی مسائل گوناگون  
بشنوند. بنده در فرصتی که امروز هست، قهراً به بخشی از آنچه لازم است گفته بشود، میتوانم بپردازم و امیدوارم  
مورد هدایت الهی و رضای الهی و مقبول درگاه الهی باشد.

برادران و خواهران عزیز! امسال سال مهمی برای کشور است؛ هم به جهت نیاز کشور به یک تحرک مهم اقتصادی  
که ان شاء الله مسئولین کشور به آن بیندیشند و بپردازند، و هم از جهت در پیش بودن انتخابات ریاست جمهوری و  
انتخابات شوراهای شهر و روستا که آن هم در جای خود بسیار مهم است.

در سال ۹۵ - سال گذشته - با وجود اینکه کشور دچار مشکلات اقتصادی بود ولی ملت ایران از دو جهت خوش  
درخشید؛ هم از جهت پایبندی به مسائل انقلاب و ارزشهای انقلاب و نظام اسلامی که مظهر آن پرشور بودن  
راه‌پیمایی عظیم بیست و دوّم بهمن و اجتماعات مردم در مورد مسائل مربوط به انقلاب بود که نشان‌دهنده‌ی  
پایبندی و شور و هیجان و دل‌بستگی ملت ایران به مسائل انقلاب بود؛ جهت دوّم، پایبندی مردم به مسائل ایمانی  
و دینی بود. امسال به گزارش مورد اطمینانی که از سراسر کشور در ماه مبارک رمضان، در ماه محرّم و ماه صفر و  
بقیه‌ی مراسم دینی داده شد، شور و حضور و دل‌بستگی مردم به مسائل ایمانی، از همیشه بیشتر بود. هم در  
قضایای مربوط به انقلاب، هم در قضایای مربوط به مسائل دینی و ایمانی، حضور مردم و بروز هم‌ت‌های بلند مردم از  
همیشه بیشتر بود. این خیلی مهم است از این جهت که اولاً سمت و سوی حرکت ملت ایران را و هویت ملت ایران  
را به رخ دوست و دشمن میکشد. نه راه‌پیمایی بیست و دوّم بهمن مربوط به یک سلیقه‌ی سیاسی است و نه جلسات  
محرّم و ماه رمضان و اعتکاف و راه‌پیمایی اربعین مربوط به یک سلیقه‌ی سیاسی است، [بلکه] مربوط به همه‌ی ملت  
ایران و مربوط به همه‌ی سلايق گوناگون کشور است. پس این نشان میدهد که سمت و سوی حرکت ملت ایران،  
سمت و سوی انقلابی و دینی است؛ مربوط به هر سلیقه‌ی سیاسی که باشند. [پس] هویت ملت ایران را به رخ دوست



و دشمن کشید. این یک.

دوّم اینکه اجتماع عمومی مردم و وحدت ملی را هم به همه نشان داد. وقتی شما این سال ۹۵ را از آغاز تا انجام نگاه کنید، همه‌ی قضایا این دو نشانه‌ی مهم را نشان میدهد: هم همبستگی مردم را در مسائل اساسی زندگی با وجود اختلاف نظرها در مسائل فرعی و سیاسی گوناگون نشان میدهد - اما در جهت اصلی که جهت نظام و جهت انقلاب است، مردم همسو و هم‌جهتند - این یک، و بعد دل‌بستگی مردم را نشان میدهد به انقلاب و به نظام و به مسائل دین و ایمان؛ این در دنیا خود را نشان داده است، این به رخ دشمن و دوست کشیده شده است؛ این [مربوط به] سال ۹۵.

البته حوادث تلخ در طول سال وجود داشت که آخرین آن، قضیه‌ی همین آتش‌نشانان جان‌باخته‌ی عزیز بود که فداکاری کردند و حادثه‌ی تلخی بود. حوادث تلخ همیشه هست، عمده این است که همّت مردم و اراده‌ی مردم و جهت حرکت مردم، مزده‌بخش و نشانه‌ی پیشرفت باشد که این بحمدالله وجود داشت.

من عرض میکنم که این نیاز ملی، امسال هم به قوت خود باقی است. امسال هم ملت ایران، هم باید اتحاد ملی خود را نشان بدهند، هم باید پایبندی خود به انقلاب و نظام و مباحث و مسائل دینی را نشان بدهند و اثبات کنند، هم باید سمت و سوی حرکت خود را به رخ دشمنان ایران و دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان ملت ایران بکشند؛ به این مناسبت بحث امروز را بنده انتخاب کرده‌ام.

بحث امروز درباره‌ی دو موضوع است: یک مسئله راجع به مسائل اقتصادی کشور است که البته دور از اصطلاحات اهل فن، آنچه را به نظر میرسد مردم عزیزمان خوب است بدانند و به آن توجه کنند و در آن جهت حرکت کنند و مطالبه‌ی آنها از ما مسئولین باشد، در بحث اقتصادی عرض میکنم؛ ان‌شاءالله در بحث مربوط به انتخابات هم - که موضوع دوّم بحث امروز من است - مطالبی را به عرض خواهم رساند.

برادران و خواهران عزیز! مسئله‌ی اقتصاد، مسئله‌ی اولویّت‌دار کشور است؛ نه فقط امسال، که چند سال است این مسئله در رأس اولویّتهای فوری کشور قرار دارد و نیاز به تحرّک اقتصادی به شکل صحیح و با برنامه‌ریزی صحیح، در این چند سال محسوس بوده است و کارهایی هم شده است که من اشاره خواهم کرد. اولویّت امروز ملت ایران، مسئله‌ی اقتصادی است و توجه کنید که اولویّت دشمن هم مسئله‌ی اقتصادی است؛ یعنی امروز دشمنان جمهوری اسلامی برای اینکه بتوانند اهداف خودشان را در مورد ایران و ایرانی و جمهوری اسلامی محقق کنند، دنبال راهکارهای اقتصادی، و یا به تعبیر درست‌تر، دنبال ضربه‌زدن اقتصادی به ملت ایرانند. هدف دشمن این است که بتواند با فشار اقتصادی، ملت ایران را نسبت به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی دلسرد و دلزده کند و بین ملت ایران و نظام اسلامی فاصله بیندازد و هدفهای خودش را از این راه دنبال کند. البته من به شما عرض کنم دشمن نادان بی‌ایمان ما سالها است که این تلاش را میکند برای جدا کردن ملت از نظام [ولی] موفق نشده است؛ بعد از این هم به حول و قوه‌ی الهی موفق نخواهد شد. خوب، دشمن توفیق پیدا نمیکند اما ما موظفیم این بحث را طرح کنیم؛ برای اهمیّت آن، برای توجه مسئولان به آن، برای ایجاد پیوندها و ارتباطات همکاری میان مردم و مسئولان در زمینه‌ی اقتصاد؛ چون مسئله‌ی اقتصاد، مسئله‌ی معیشت مردم، مسئله‌ی بسیار مهمی است و من مقداری در این زمینه‌ها عرایضی خواهم کرد؛ [البته] به‌طور اجمال در پیام اوّل سال، دیروز به عرض ملت ایران رساندیم، امروز یک مقداری مسئله را



باز میکنم. امام سجاد ( علیه الصلوة والسلام ) در دعا به خدای متعال عرض میکنند: وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ وَ مِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ ؛ ( ۳ ) این نشان‌دهنده‌ی اهمیّت مسئله‌ی اقتصادی است که امام سجاد از خدای متعال درخواست میکند و به خدای متعال پناه میبرد. از اسراف و از اینکه منابع معیشتی، به قدر کافی در اختیار مردم وجود نداشته باشد، این نشان‌دهنده‌ی اهمیّت مسئله‌ی اقتصاد است. پس باید در این زمینه بحث کنیم.

ولیکن قبل از آنکه وارد بحث اصلی بشوم، دو نکته را مایلیم حتماً مورد تأکید قرار بدهم و به شما عزیزانی که تشریف دارید و کسانی که این صحبت را بعداً می‌شنوند، این دو نکته را یادآوری کنم:

نکته‌ی اوّل ؛ دشمن در تبلیغات وسیع خود تلاش میکند که کمبودهای معیشتی و اقتصادی کشور را به نظام اسلامی و به جمهوری اسلامی نسبت بدهد ؛ این نقشه‌ی دشمن است. آنها میخواهند این جور وانمود بکنند که نظام اسلامی قادر نبوده است و قادر نیست مشکل اقتصادی ملت ایران را و مشکلات اساسی ملت ایران را حل کند و گره‌ها را باز کند ؛ یک سوءاستفاده‌ی این جور میخواهند بکنند برای کوبیدن نظام اسلامی. این حرف ناشی از بغض و عداوت و کینه‌ی آنها به نظام اسلامی است. این یک حرف خلاف واقع است، خدماتی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی به ایران و ملت ایران در این مدت کرده است، یک خدمات برجسته و فوق‌العاده است. اگر وضع ملت را و وضع کشور را مقایسه کنیم با قبل از دوران اسلامی یعنی در دوران طاغوت، آن وقت معلوم میشود که چه خدمات بزرگ و ارزشمندی را نظام اسلامی تقدیم کرده است. بله، ضعفهایی وجود دارد ؛ این ضعفها مربوط به مدیریت ماها است، این مربوط به کمبودها و ناتوانی‌های مدیرانی است که در بخشهای مختلف مشغول کار بوده‌اند ؛ اما نظام اسلامی توانایی‌هایی را در خود پرورش داده و مدیرانی را تربیت کرده است که توانسته‌اند کارهای بسیار بزرگی را در طول این سی و چند سال برای کشور انجام بدهند ؛ آن‌هم درحالی‌که در این سی و چند سال، ملت از همه طرف در فشار تحریم و فشار اقتصادی دشمنان بوده است.

من چند نمونه را عرض میکنم. البته اینها فقط نمونه‌هایی است که من میگویم و الا آن فهرست خدمات نظام جمهوری اسلامی، یک فهرست بسیار طولانی‌تر از این حرفها است. ببینید! جمعیت کشور از اوّل انقلاب تا امروز دو برابر شده است. یعنی از حدود چهل میلیون به نزدیک به هشتاد میلیون رسیده است، اما آنچه اتفاق افتاده و آن کارهایی که در زمینه‌های مختلف انجام گرفته است، بحث دو برابر و سه برابر نیست، [بلکه] ارقام فوق‌العاده و بسیار چشمگیری است.

در زمینه‌های زیرساختی، کارهایی در کشور شده است که حقیقتاً از نظر معیار و مقیاسی، [که] انسان با کشورهای دیگر می‌سنجد، بسیار بزرگ و عظیم است. از باب مثال: راه‌های کشور در این مدت، شش برابر شده است ؛ ظرفیت بنادر کشور در این مدت، بیست برابر شده است ؛ سدهای مخزنی کشور - که آب شرب و آب کشاورزی را تأمین میکنند - سی برابر شده است ؛ تولید برق کشور، چهارده برابر شده است ؛ صادرات غیر نفتی کشور، ۵۷ برابر شده است - قبل از انقلاب، [یعنی] در دوران طاغوت، صادرات کشور تقریباً منحصر بود به نفت و یک مختصری اشیاء تولیدی دیگر که در جنب صادرات نفتی، تقریباً هیچ بود ؛ امروز صادرات غیر نفتی ۵۷ برابر افزایش پیدا کرده است - تولید محصولات پتروشیمی سی برابر و تولید محصولات فولادی پانزده برابر [شده است] ؛ اینها کارهای زیرساختی است ؛ هر کشوری بخواهد تحرک پیدا کند، پیشرفت اقتصادی پیدا کند، به این چیزها احتیاج دارد ؛ این کارها در دوران انقلاب انجام گرفته است.



در زمینه‌ی علم و فناوری، از اوّل انقلاب [تا کنون]، تعداد دانشجویان ۲۵ برابر شده است؛ اوّل انقلاب، همه‌ی دانشجویان کشور دویست و خرده‌ای هزار [نفر] بود، امروز نزدیک پنج میلیون دانشجو در کشور مشغول تحصیل هستند؛ مقالات علمی شانزده برابر [شده]؛ و فعالیت‌های علمی و فناوری فراوان دیگر.

در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی و انسانی، شاخصها بسیار بالا است. در زمینه‌ی خدمات -خدمت‌رسانی- به مردم -مثل برق و گاز و تلفن و آبادی روستاها- آمارها بسیار خوب و مزده بخش است. در زمینه‌ی فعالیت‌های نظامی، آمارها فوق‌العاده است؛ کشوری که قبل از پیروزی انقلاب، از لحاظ نظامی وابسته‌ی محض به خارج از کشور بود -آن هم به دشمنانی مثل آمریکا- امروز از لحاظ پیشرفتهای نظامی، آن‌چنان چشمگیر است که چشم دشمن را هم میزند، او را هم خشمگین و نگران و عصبانی میکند.

اینها همه‌اش هنر نظام اسلامی است؛ اینها کارهایی است که نظام اسلامی کرده است. عرض کردم که اگر این فهرست را بخواهم بگویم، یک فهرست بسیار طولانی است و کار از اینها برتر و بالاتر است. البته انقلاب متوقف نمیشود، پیشرفت متوقف نمیشود؛ کارهای زیادی وجود دارد که باید انجام بگیرد و به حول و قوه‌ی الهی انجام خواهد گرفت و در سیاست‌های کلی نظام اسلامی [هم] به آن کارهایی که باید در آینده انجام بگیرد، تصریح شده است و ذکر شده است که چه کارهایی باید انجام بگیرد.

خب، ضعفهایی هم داشته‌ایم که کم نبوده؛ بنده از ضعفهای فعالیت‌های مسئولین کشور -از جمله خود این حقیر- در سطح عموم ملت ایران و در طول سالها، آگاهم؛ ضعفهای زیادی وجود داشته که این مربوط به مدیریت‌های ما است، مربوط به حرکت عمومی نظام اسلامی نیست. ما هر جا یک مدیریت انقلابی فعال پرتحرک داشتیم، کار پیش رفته است؛ هر جا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی، و بی‌تحرک داشتیم؛ کارها یا متوقف مانده است، یا انحراف پیدا کرده است. این مسئله‌ای است که وجود دارد؛ یک اشکالی و یک ضعفی است که وجود دارد؛ باید مدیرانمان ان‌شاءالله پُرانگیزه‌تر باشند، کارآمدتر باشند، تلاش بیشتری را انجام بدهند، و به حول و قوه‌ی الهی همین جور هم خواهد شد. من به‌طور قاطع عرض میکنم که اگر مدیریت در بخشهای مختلف کشور، متدین باشد، انقلابی باشد و کارآمد باشد، همه‌ی مشکلات کشور حل خواهد شد؛ ما مشکل غیرقابل حلی در کشور نداریم. یک نکته این بود که عرض شد.

نکته‌ی دوّم این است که ظرفیتهای کشور بسیار بالا است؛ ما توانایی‌هایمان، استعدادمان در کشور خیلی زیاد است؛ یعنی اگر ما امیدواری‌هایی را به آینده ابراز میکنیم و میگوییم که این کارها باید انجام بگیرد یا میگوییم این کارها انجام خواهد گرفت، این با تکیه‌ی بر ظرفیتهای و توانایی‌های بالقوه‌ی کشور است. ما کشورمان، هم از لحاظ نیروی انسانی، هم از لحاظ نیروهای طبیعی -نیروهای زیرزمینی، روی‌زمینی و امکانات گوناگون- جزو کشورهای ثروتمند محسوب میشود. از لحاظ نیروی انسانی -همین‌طور که عرض کردیم- پنج میلیون دانشجو، یک ثروت عظیمی برای کشور است؛ علاوه‌ی بر این، ما حدود ده میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی داریم که اینها میتوانند کارهای مختلف را انجام بدهند. ما ۳۳ میلیون جوانی که در سنّ کار باشد -یعنی بین پانزده سال و چهل سال سن داشته باشد- در کشور داریم؛ یعنی یک کشور جوان [هستیم] که دارای این توانایی است که بتواند کار کند. برطبق [عقیده‌ی] اهل نظر و اهل فن، بهترین زمان [کارایی] انسان دارای توان کار -مرد و زن- بین پانزده سال و چهل سال است و ما از این جهت، در کشور وضعمان بحمدالله بسیار خوب است و ۳۳ میلیون از جمعیت کشور در این سنین قرار دارند، که



میتوانند کار کنند، میتوانند بارهای سنگین را بر دوش خودشان حمل کنند. در منابع زیرزمینی [هم] در دنیا پیشرفته هستیم. من یک وقتی عرض کردم (۴) که جمعیت کشور در حدود یک صدم جمعیت دنیا است اما تقریباً همه‌ی منابع اصلی ما از یک صدم بیشتر است؛ بعضی دو صدم است، بعضی سه صدم است، بعضی پنج صدم است؛ یعنی ما از لحاظ منابع، دستمان باز است. در همین جلسه‌ی اوّل سال -یکی دو سال قبل- [5] گفتم که ما از لحاظ منابع نفت و گاز بر روی هم، در دنیا اولیم؛ یعنی بهترین کشور و ثروتمندترین کشور در همه‌ی دنیا از لحاظ منابع نفت و گاز بر روی هم [ما هستیم]، گفتم که ما در درجه‌ی اوّل قرار داریم. اخیراً آمارى به بنده دادند و معلوم شد که ما از لحاظ تنها گاز هم در دنیا اولیم، یعنی هیچ کشوری به قدر کشور ما نفت و گاز ندارد، و درخصوص گاز، هیچ کشوری در دنیا به قدر ما گاز ندارد که امروز یکی از منابع مهمّ انرژی است. خب این کشور، کشور ثروتمندی است؛ بیخود نیست که دشمنان ما -[یعنی] قدرتهای سلطه‌گر، آمریکا و امثال آن- چشم طمع دوخته‌اند به این کشور و میخواهند این کشور را زیر سلطه دریاورند. البته این آروزی همیشگی آنها است و این آرزو برآورده نخواهد شد و این آرزو را قطعاً به گور خواهند برد.

خب، وارد بحث مربوط به اقتصاد بشویم، وقت محدود است و من باید بتوانم همه‌ی آنچه را که میخواهم عرض بکنم، ولو کوتاه، عرض بکنم.

ببینید، ما برای کشورمان و برای ملتمان چه میخواهیم؟ ما میخواهیم ملت و کشور به کجا برسد؟ ما برای ملت ایران امنیت ملی میخواهیم، عزّت ملی میخواهیم، سلامت عمومی میخواهیم، رفاه عمومی میخواهیم؛ پیشرفت همه‌جانبه میخواهیم، استقلال از قدرتهای سلطه‌گر جهانی میخواهیم، شکوفایی استعدادها میخواهیم، رها شدن و نجات یافتن از آسیب‌های اجتماعی -مثل اعتیاد و فساد و امثال اینها- میخواهیم؛ اینها را برای کشور میخواهیم؛ اینها چیزهایی است که ما در زمینه‌ی مسائل مادی برای کشورمان دنبال میکنیم و میخواهیم. آن وقتی ملت به آسایش خواهد رسید که این مواد برای او در داخل کشور تأمین بشود. خب چگونه میشود اینها را به دست آورد؟ عزّت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی، پیشرفت همه‌جانبه چه جور به دست می‌آید؟ من عرض میکنم بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، اینها به دست نمی‌آید. نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است؛ نیازمان این است: یک اقتصاد قوی و مطمئن و متکی به خود که دستمان به سمت دیگران دراز نباشد، بتوانیم انتخاب کنیم، بتوانیم حرکت کنیم، بتوانیم اقدام کنیم، بتوانیم روی قیمت نفت اثر بگذاریم، پول ملی را ارزشمند کنیم، قدرت خرید مردم را بالا ببریم؛ بدون یک اقتصاد قوی این جورى، نه به یک عزّت مستمری خواهیم رسید، نه به یک امنیت مستمری خواهیم رسید؛ این چیزها را باید تأمین کنیم. اهمیت اقتصاد این است. و البته بدون اتحاد ملی هم به دست نمی‌آید؛ بدون پیوند عمومی ملت با نظام هم این خواسته‌ها به دست نمی‌آید؛ بدون فرهنگ انقلابی هم به دست نمی‌آید؛ بدون مسئولان شجاع و فعال و پرکار هم این خواسته‌ها تأمین نخواهد شد. همه‌ی اینها را لازم داریم و باید تأمین کنیم و میتوانیم تأمین کنیم. [پس] یکی از مشکلات عمده‌ی کنونی ما مسئله‌ی اقتصاد است.

خب، اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم و گفتیم؛ دوستان و فعالان مسئول در قوه‌ی مجریّه و بقیّه‌ی دستگاه‌های کشور، با علاقه این مسئله را دنبال کردند و برنامه‌ریزی‌هایی کردند، کارهایی را انجام دادند. خب این کارها خوب است و من به بعضی [از آنها] هم اشاره خواهم کرد لکن آنچه امروز برای ما مشهود است و مقابل چشممان میبینیم، [این است که] خلأهای اقتصادی ما خلأهای بزرگی است. یکی مسئله‌ی بیکاری است؛ بخصوص بیکاری جوانان و



بخصوص بیکاری جوانان تحصیل کرده. این یک خلأ است، یک حفره است. این را باید تأمین کرد. مسئله‌ی معیشت طبقات ضعیف [مهم است]؛ ما اطلاعات را دائماً دنبال میکنیم و از وضع مردم در بخشهای مختلف کشور مطلع میشویم؛ مردم از لحاظ مسئله‌ی بیکاری هست، معیشت هست؛ و مشکلات گوناگونی که اجتماعی به دنبال اینها می‌آید.

خب، عرض کردیم که دشمن هم بر روی همینها تمرکز میکند و روی اینها تبلیغات میکند. صاحب‌نظران اقتصادی، آن کسانی که در زمینه‌ی مسائل اقتصادی صاحب‌نظرند، مشکل عمده را در رکود و بیکاری می‌بینند؛ حق هم با آنها است. یکی مسئله‌ی بیکاری است، یکی مسئله‌ی رکود تولید و کمبود تولید در داخل کشور است. خب اینها در اقتصاد مقاومتی هست منتها اقتصاد مقاومتی یک مجموعه است. اگر ما بتوانیم این مجموعه را تجزیه کنیم و در هر فرصت زمانی، بر روی بخشی از مسائل مهم آن تکیه‌ی بیشتری در کشور انجام بگیرد، مطمئناً خواهیم توانست نتایج خوبی از آن بگیریم.

در سال ۹۵ کارهای خوبی انجام گرفت. حق این است که به تلاشهایی که مسئولان محترم انجام داده‌اند پیردازیم و از آنها قدردانی بکنیم. در اوائل سال گذشته که بنده در همین جلسه‌ی اوّل سال تأکید زیادی بر روی کارگاه‌های کوچک و متوسط کرده بودم، مسئولین تصمیم گرفتند که به کارگاه‌های کوچک و متوسط کمک کنند؛ پانزده هزار میلیارد تومان بودجه گذاشتند برای اینکه مثلاً حدود بیست هزار کارگاه کوچک را تحرک ببخشند و فعال کنند و از رکود خارج کنند؛ اقدام هم کردند، البته یک قدری دیر شد لکن بالاخره اقدام شروع شد و انجام گرفت. خب این اقدام، اقدام خوبی بود منتها در هر کار خوبی، آنچه لازم است، نظارت و استمرار است. اگر چنانچه نظارت لازم و توجه و دقت لازم در ادامه‌ی کار انجام نگیرد، کار به سرانجام نمیرسد؛ یا به سرانجام مطلوب نمیرسد. من توضیح خواستم از کسانی که دست‌اندرکار این قضیه بودند و فهمیدم] خب کار پیش رفته است منتها پیشرفتهایی

آن جوری که مورد نظر است و باید پیش میرفت و انجام میگرفت، انجام نگرفته است. باید کاری کنیم که تدابیر مسئولان و سیاستهای اجرایی مسئولان بتواند به نتایج نهایی برسد.

امروز مشکلات ما در زمینه‌ی بخشی از شاخصها، مشکلات زیادی است. بعضی از شاخصها خوب است؛ فرض بفرمایید که شاخص تورم کاهش نشان میدهد که این خوب است، اما شاخص بیکاری افزایش نشان میدهد یعنی بیکاری بیشتر شده است. اینها آمارهای رسمی خود مسئولین است. یا رشد اقتصادی، مثبت نشان میدهد اما رشد سرمایه‌گذاری، منفی است؛ که این یکی از عیوب اساسی و بزرگ است. یا مثلاً در بعضی از بخشها -مثل بخش نفت- پیشرفت داریم، [اما] در بعضی از بخشهای دیگر -مثل بخش معدن، مثل مسکن- عقب‌رفت داریم. یعنی آمارهای رسمی انسان را قانع نمیکند به اینکه حرکت عمومی به سمت رفع مشکلات اقتصادی است.

خب، حالا از گذشته عبور کنیم، به آینده نگاه کنیم. آنچه بنده در مورد آینده به عنوان نقطه‌ی اولویّت دار و کلیدی به آن نگاه میکنم، عبارت است از تولید؛ تولید ملی، تولید داخلی. توصیه‌ی بنده، خواسته‌ی بنده، مطالبه‌ی بنده، تکیه‌ی



بر روی تولید داخلی است. تولید داخلی یک کلیدواژه است. اینها را عرض میکنیم تا اولاً چون در محضر ملت ایران این حرفها دارد گفته میشود، مسئولین محترم به این توجه کنند و روی آن تکیه کنند، ثانیاً افکار عمومی مردم هم در همین جهت مطالبه گر باشد؛ مطالبات مردم هدایت بشود به این سمتی که مورد توجه و مورد تعرض (۶) امروز ما است. من این جور احساس میکنم که اساس کار فعلاً برای این برهه‌ی از اقتصاد کشور، مسئله‌ی تولید ملی و تولید داخلی است. این یک کلیدواژه است، سرفصل‌های متعددی از این مسئله ناشی میشود. اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق بدهیم، اشتغال به وجود می‌آید و مشکل بیکاری - که یکی از مصیبت‌های امروز کشور ما بیکاری جوانان است و نرخ بیکاری، بالا است - برطرف خواهد شد یا کاهش پیدا خواهد کرد.

من اینجا چند خصوصیت را ذکر کرده‌ام که البته این ده مورد هر کدام فصل‌مُشبعی (۷) بحث لازم دارد، من ناچارم فقط به [گفتن] فهرست اکتفا کنم. یکی از سرفصل‌ها اشتغال است. یکی از سرفصل‌هایی که از تولید به دست می‌آید، شکوفایی استعدادها و ابتکار جوانها است. وقتی که بازار تولید گرم باشد و رونق داشته باشد، استعداد جوانها شکوفا میشود و ابتکارهایی را به میدان می‌آورند.

سوم، مصرف نشدن ارز با اهمیت است؛ که ارز کشور - که دارای اهمیت است - برای کالاهای مصرفی، مصرف نخواهد شد، هزینه نخواهد شد. بعد، به کار افتادن پس‌اندازهای راکد [برای] آنهایی که پس‌انداز دارند؛ اگر در کشور تولید رونق پیدا بکند، پس‌اندازهایی که راکد هستند، به گردش می‌افتند و خودشان برای کشور تولید ثروت میکنند.

جهش صادرات؛ اگر تولید باشد، صادرات هم جهش پیدا خواهد کرد و باز برای کشور ایجاد ثروت و تولید ثروت خواهد کرد. یک فایده‌ی دیگر، کم‌رنگ شدن مسابقه‌ی به رخ کشیدن مارکهای خارجی [است]. امروز یکی از بلاهای اجتماعی و اخلاقی بزرگ ما این است که مارکهای خارجی را به رخ هم میکشیم؛ این لباس، این کفش، این کیف، این محصول، مال فلان کارخانه‌ی معروف خارجی است. بنده به رخ دیگری میکشم، او به رخ دیگری میکشد؛ یک مسابقه‌ای در این مورد به راه می‌افتد؛ ما در واقع، این بلای فرهنگی و این مشکل فرهنگی را به وسیله‌ی رونق تولید میتوانیم در کشور کم کنیم یا جلویش را بگیریم.

یکی از فواید تولید، از بین رفتن یا کم شدن مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است؛ بیکاری موجب فساد است، موجب تأخیر ازدواج است، موجب اعتیاد است؛ اگر بیکاری وجود نداشته باشد، اینها هم از بین می‌رود؛ تولید میتواند علاج اینها هم محسوب بشود.

ایجاد نشاط ملی؛ خود تولید در کشور وقتی راه بیفتد، یک نشاط عمومی و ملی به وجود می‌آورد که این خودش یک عامل مهمی در پیشرفت کشور است. ظرفیتهای معدنی کشور - که امروز متأسفانه خیلی در این زمینه عقب هستیم - به کار می‌افتد و میتوانیم از منابع خدادادی که خدای متعال به این ملت بخشیده است، استفاده کنیم. این چند عنوان و سرفصل است؛ اگر شما فکر کنید، باز سرفصل‌های دیگری هم پیدا میکنید؛ اینها همه نتایج و آثار و فواید رونق تولید در کشور است.

خب، ما یک کلمه می‌گوییم تولید - تولید ملی، تولید داخلی - اما خب امکاناتی لازم دارد؛ آیا ما این امکانات را



داریم یا میتوانیم به دست بیاوریم؟ جواب بنده این است که بله. ما این امکانات را امروز هم داریم؛ بعضی را بالفعل داریم، بعضی را میتوانیم به دست بیاوریم. این امکانات عمدتاً نیروی انسانی است، مهارت است، سرمایه است و ابزار کار لازم و پیشرفته است؛ اینها چیزهایی است که برای یک تولید موفق در یک کشور مورد نیاز است. من معتقدم که ما بعضی از این وسایل و امکانات را الان بالفعل در کشور داریم، بعضی را هم میتوانیم در کشور به وجود بیاوریم، بدون اینکه دشواری زیادی داشته باشد.

اما نیروی انسانی؛ عرض کردیم که ۳۳ میلیون [نفر] از جمعیت کشور در سنین کارند؛ یعنی ستنشان از پانزده سال تا چهل سال است. البته آن کسانی که توانایی کار دارند بیشترند، یعنی از پانزده سال تا ۶۵ سال - که ۶۵ سال را مثلاً دوران از کارافتادگی به حساب می‌آورند - ۵۵ میلیون [نفر] جمعیتند اما آن که جوان محسوب میشود و میتواند در میدان کار فعالیت کند، لااقل ۳۳ میلیون نیروی کارند. ما ده میلیون تحصیل کرده‌ی دانشگاهی داریم، نزدیک به پنج میلیون دانشجو داریم؛ اینها ثروت است برای کشور. کسانی که مطلع بودند، به ما اطلاع دادند که تعداد متخصصین مهندسی در کشور ما جزو اولین ردیفهای تعداد مهندسین در کشورهای دنیا - حتی در کشورهای پیشرفته و بزرگ - است؛ یعنی امکانات از لحاظ انسانی، این قدر بسیار است.

سرمایه؛ یکی از چیزهایی که برای تولید لازم است، سرمایه است. غالباً گفته میشود که ما سرمایه‌ی لازم برای اینکه تولیدکننده را بتوانیم به تولید وادار کنیم نداریم؛ بنده این را قبول ندارم. علاوه بر امکانات شخصی - که اشخاص خودشان امکاناتی دارند - دولت توانسته است صندوق توسعه‌ی ملی را به وجود بیاورد. من یک توضیحی درباره‌ی صندوق توسعه‌ی ملی بدهم: این جزو سیاستهایی بود که از چند سال قبل از این، در ضمن سیاستهای کلی گنجانده شد و دولتها اجبار پیدا کردند که صندوق توسعه‌ی ملی را در برنامه‌هایشان بگنجانند. صندوق توسعه‌ی ملی چیست؟ معنای صندوق توسعه‌ی ملی این است که از درآمد نفت کشور - نفتی که بدون اینکه ارزش افزوده‌ای تولید کند، از چاه درمی‌آوریم و می‌فروشیم - هر سال یک درصدی کنار گذاشته بشود که وابستگی اقتصاد کشور به نفت کم بشود. گفتیم اول بیست درصد، بعد بر این بیست درصد، هر سال اندکی [یعنی] سه درصد اضافه میشود؛ اگر این سه درصد را تاکنون بنا بود اضافه بکنیم، امسال بایستی ۳۶ درصد از درآمد نفت، صرف صندوق توسعه‌ی ملی میشد یعنی نگه‌داری میشد در صندوق توسعه‌ی ملی که کشور از وابستگی به نفت به این اندازه نجات پیدا میکرد. و این وقتی پیش برود، در ظرف چند سال دیگر، نفت بکلی از اقتصاد کشور جدا خواهد شد که این برای کشور یک فرصت بزرگ و یک فوز عظیم است. یکی از بدبختی‌های کشور ما و بعضی از کشورهای دیگر، این است که اقتصادشان وابسته‌ی به نفت است؛ اختیار نفت هم دست کشورهای تولیدکننده‌ی نفت نیست، دست مصرف‌کننده‌ها است، دست قدرتهای جهانی است؛ آنها هستند که قیمت می‌گذارند، بالا می‌برند، پایین می‌آورند؛ در واقع تولیدکننده‌ی نفت در این مورد، در مقابل قدرتها منفعل است. اگر کشوری بتواند اقتصاد خودش را از نفت جدا بکند و دارای نفت هم باشد، این کشور قطعاً پیشرفت چندبرابر خواهد کرد. این صندوق توسعه‌ی ملی به این منظور به وجود آمد. البته در سال ۹۴، مسئولین دولتی گفتند درآمدهای نفتی کم شده است - هم فروش کم بوده، هم قیمت نازل بوده است - درخواست کردند، اظهار ضرورت کردند که از اختیارات رهبری استفاده کنند که آن بیست درصد اضافه نشود، فقط بیست درصد را بگیرند، ما هم قبول کردیم و این اجازه را به دولت دادیم که بتوانند فقط بیست درصد را در صندوق ذخیره کنند. این صندوق برای این است که به بخش خصوصی - یعنی به تولیدکننده‌ی داخلی - پول بدهد و به او توانایی بدهد تا بتواند کار تولید را راه بیندازد؛ این شد سرمایه. یعنی توانمند کردن بخش خصوصی از طریق صندوق توسعه‌ی ملی، یک چیز خیلی لازمی است. صندوق توسعه‌ی ملی را به‌عنوان یک فرصت برای کشور باید به حساب





آورد؛ این فرصت میتواند در خدمت تولید قرار بگیرد و باید در خدمت تولید قرار بگیرد؛ یعنی تولیدکننده‌ی داخلی میتواند از این صندوق با سیاستها و برنامه‌ریزی درست دولتها استفاده کند. نیروی انسانی آن‌جور، سرمایه هم این‌جور [تأمین میشود].

ابزار کار؛ بعضی میگویند ما ابزارهای مدرن نداریم، ابزارهای پیشرفته نداریم؛ بنده عرض میکنم: جوان ایرانی که میتواند غنی‌سازی اورانیوم را در ظرف مدت کوتاهی از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند - که این کار بسیار بزرگی بود که در کشور انجام گرفت؛ و من این را در سخنرانی عمومی (۸) گفته‌ام که عمده‌ی مشکل غنی‌سازی اورانیوم، بین همان سه درصد یا سه‌ونیم درصد با بیست درصد است؛ وقتی کشوری این توانایی را پیدا کرد که غنی‌سازی اورانیوم را به بیست درصد برساند، براحتی میتواند تا ۹۹ درصد برود؛ عمده‌ی مشکل در اینجا است؛ این قطعه‌ی مشکل کار را، جوانان دانشمند ما، در مدت کوتاهی که ما شاهد بودیم [گذراندند] و توانستند این راه را طی کنند و غنی‌سازی را از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برسانند - آن جوانی که میتواند این‌جور حرکت علمی عظیمی را انجام بدهد، یا میتواند در ساخت موشک و هواپیما با وجود تحریمهای بسیار سخت بین‌المللی کاری بکند که افسر صهیونیست، مدیر نظامی صهیونیست (۹) میگوید من با ایرانی‌ها دشمنم، اما نمیتوانم خودم را از تحسین کاری که اینها کردند باز بدارم، [اینها] کار بزرگی انجام دادند؛ خب جوانی که میتواند آن‌جور موشک درست کند، آن‌جور هواپیما درست کند، آن‌جور سلاح نظامی درست کند، سلاح پیشرفته درست کند، دشمن را بترساند، میتواند غنی‌سازی اورانیوم را از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند، این جوان نمیتواند ماشین را برای تولید خودرو یا فلان موضوع دیگر پیشرفت بدهد و پیش ببرد؟ چرا نمیتواند؟ جوان ما توانایی‌اش را دارد؛ نیروی انسانی ما، مغز متفکر و فعال جوان باسواد و بااستعداد و تحصیل‌کرده‌ی ایرانی، آماده است برای این کارها؛ خیلی کارها را میتوانیم انجام بدهیم. میدان را باز کنیم برای جوانها، جوانها بسیاری از گره‌های بزرگ و مشکل ما را میتوانند حل کنند و باز کنند. دانشگاه‌های ما تشنه‌ی همکاری با دستگاه‌های صنعتی ما هستند. بنده از چند سال قبل، همکاری صنعت و دانشگاه را توصیه کردم، البته مقداری هم انجام گرفته؛ در بخشهای نظامی خیلی خوب انجام گرفته است، در بعضی از بخشهای دیگر همین‌جور. دانشگاه‌های ما میتوانند کمک کنند؛ [این] هم برای دانشگاه‌ها خوب است، هم برای پیشرفت علم خوب است، هم برای صنایع ما خوب است. بنابراین ما در تولید، مشکلی از لحاظ امکانات نداریم؛ هم نیروی انسانی را داریم، هم میتوانیم ابزار کار پیشرفته تهیه کنیم، هم سرمایه‌گذاری میتوانیم بکنیم به‌وسیله‌ی صندوق توسعه‌ی ملی و امثال اینها و ثروتهای خود مردم. بنابراین تولید، عملی است؛ امکانات تولید در کشور وجود دارد.

اما الزاماتی هم هست؛ یک وظایفی است که همه‌ی ما باید به عهده بگیریم. هم آحاد ملت، هم مسئولین دولتی، هم مسئولین قضائی، هم مسئولین قوه‌ی مقننه یک وظایفی دارند، الزاماتی دارند؛ این الزامات را اگر انجام بدهند، تولید [رونق میگیرد]. من حالا مقداری از این الزامات را عرض میکنم؛ من میگویم، برای اینکه این افکار عمومی مردم نسبت به این مسئله آگاه بشوند و بدانند؛ ما بن‌بست نداریم؛ ما راهی که نتوانیم حرکت کنیم و پیش برویم نداریم؛ ما میتوانیم پیش برویم، یک خرده بایستی به خودمان تحرک ببخشیم. یکی از الزامات، مدیریت کارآمد و متعهد و متدین است. مسئولان بالای کشور، برای بخشهایی که به تولید ارتباط پیدا میکند، مدیریتهای کارآمد بگذارند؛ مدیریتهای بانشاط، با حال؛ مدیریتهای علاقه‌مند، پُرانگیزه، قوی. یکی از الزامات این است که [این] دست مسئولان ارشد کشور است.

یکی از کارها، دخالت دادن مردم در کار تولید است؛ مردم باید در کار تولید [دخالت داده بشوند]. ما سیاستهای اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه‌ی کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور - که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولتها است، کار مردم نیست؛ کار ارتشها است، کار دولتها است - با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند - کاری که مربوط به دولتها و مربوط به ارتشها است - توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی‌اند؛ بسیجی بودند و بسیجی هم مبارزه کردند، بسیجی هم شهید شدند؛ خب کار اقتصاد به طریق اولی [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت. این هم یکی دیگر از الزامات.

یکی از الزامات، صادرات است که مسئولین دولتی باید فعال بشوند. گزارشی به دست من رسید از مسئولین دولتی که متأسفانه عمده‌ی صادرات کشور ما بلکه عمده‌ی معاملات تجاری ما از صادرات و واردات، با پنج یا شش کشور است؛ خب این خطا است، این خلاف اقتصاد مقاومتی است. ما در بندهای اقتصاد مقاومتی روی این هم تکیه کرده‌ایم. یکی از سیاستهای اقتصاد مقاومتی همین است؛ گسترش صادرات و گسترش طرفهای صادراتی ما. اینکه ما به پنج کشور یا شش کشور اکتفا بکنیم و خودمان را محدود بکنیم [صحیح نیست]، این تحرک مسئولین را لازم دارد؛ چه در سیاست خارجی، چه در بخشهای دیگر.

یکی دیگر، امنیت سرمایه‌گذاری است؛ که این کار ضابطین قوه‌ی قضائیه و کار نیروهای امنیتی است؛ باید کاری کنند که امنیت سرمایه‌گذاری محفوظ باشد. یکی از کارهای مهم، ثبات سیاستها است؛ قوانین، قوانین دائماً در تغییر نباشد؛ که این کار، کار مجلس شورای اسلامی است. اولاً مقررات و زوائد دست‌وپاگیر را بردارند، ثانیاً ثبات در قوانین ایجاد کنند و هر روز یک قانون جدیدی نیاورند که نتواند [سرمایه‌گذاری شود].

این مسئله‌ی امنیت اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری که عرض کردم، خیلی مهم است. گاهی ما در این زمینه‌ها کوتاهی کرده‌ایم. فرض بفرمایید در یک نقطه‌ای از کشور، یک سرمایه‌گذاری و یک سروصدایی به پا میشود، صداوسیما هم وارد میشود و تبلیغات میکنند، مردم [هم] می‌آیند طلا و خانه و پول و همه چیزشان را خرج میکنند و صرف سرمایه‌گذاری میکنند، بعد معلوم میشود در آن تقلب بوده است! خب این خلاف امنیت اقتصادی است. بایستی امنیت تولید را حفظ کرد. بنابراین اینها چیزهایی است که جزو الزامات حتمی برای تولید است.

یکی از مسائل بسیار مهم در مسئله‌ی تولید داخلی، احساس مسئولیت‌آحاد مردم است. حالا بنده طرف مردم، من خواسته‌های مردم و مطالبات مردم را عرض میکنم اما این را هم مردم عزیز ما بدانند که کار، فقط به عهده‌ی مسئولین [بلکه] کار به

خود مردم هم هست. اینکه ما روی تولید داخلی تکیه میکنیم، خب حتماً مصرف داخلی هم توقع است. چرا مردم به مصرف تولیدات داخلی کم‌توجهی میکنند؟ البته خوشبختانه در این اواخر یک کارهایی دارد انجام میگردد؛ بعضی از فروشگاه‌ها فقط تولید داخلی را عرضه میکنند. مصرف‌کننده‌ی ایرانی برای آن چیزهایی که در داخل تولید میشود، ارجحیت قائل باشد و دنبال اسم خارجی و مارک خارجی و نام خارجی ندوند؛ یکی از توقعات



این است.

یکی از توقعات این است که جوانهای عزیز ما واقعاً دنبال کار باشند و بی‌حالی و بی‌مسئولیتی وجود نداشته باشد. یکی از کارهایی که واقعاً بر عهده‌ی عموم مردم است، همین مسئله‌ی احساس مسئولیت است؛ باید احساس مسئولیت بکنند. یک نمونه از بی‌مسئولیتی، این است که در کار برخی از اجناس و اقلام صادراتی - که در این زمینه به ما خبر میرسد - بعضی از صادرکننده‌ها کاری میکنند که آن مشتری بیرون کشور را نسبت به تولید داخلی ما بدبین میکنند؛ مثل اینکه فرض کنید ما در جعبه‌ی پرتقال، آن [ردیف] رو، پرتقال درشت و خوب بچینیم، آن زیر پرتقال پوسیده و ریز بگذاریم. آنچه در صادرات ما انجام میگیرد، بایستی نماینده و نمودار حسن عمل و صحت عمل ایرانی باشد؛ اگرچنانچه این جور عمل نکنیم، بی‌مسئولیتی است. [وقتی] جنس نامرغوب را بفرستیم، خب معلوم است که بازار صادراتی از بین خواهد رفت. بنده از کارآفرینان کشور دعوت میکنم که وارد میدان تولید و کار بشوند و ان شاءالله در این زمینه کار انجام بدهند.

دو مسئله‌ی مهم در زمینه‌ی تولید وجود دارد: یکی مسئله‌ی واردات است، یکی مسئله‌ی قاچاق است. من قبلاً هم این را گفته‌ام، تذکر داده‌ام، الان هم مجدداً عرض میکنم. واردات کالاهایی که در داخل به قدر کافی تولید میشود، بایستی به صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود؛ آنچه در داخل تولید میشود، از خارج وارد نشود. اینکه ما نگاه کنیم ببینیم کالاهای مصرفی ما، از خوراک گرفته تا پوشاک، تا وسایل منزل، تا کیف و کفش بعضی از بانوان، تا وسایل مدرسه و دفتر و قلم و امثال اینها از خارج بیاید، این مایه‌ی شرمندگی است! انسان احساس شرم میکند؛ هم در مقابل تولیدکننده‌ی داخلی احساس شرم میکند، هم در مقابل آن کسی که این جنس را از بیرون برای ما میفرستد. با این امکاناتی که در کشور هست، نگذاریم این راه به این شکل ادامه پیدا بکند، واقعاً جلوی واردات به معنای واقعی کلمه گرفته بشود. بعضی از اجناس اساسی هست که در داخل قابلیت تولید دارد اما درعین حال وارد میشود، درحالی که میشود در اینجا تولیدش کرد؛ ولو امروز نداریم و امروز تولید نمیشود اما قابل تولید کردن است. بنده چند سال قبل از این شنیدم که علوفه را وارد میکنند. گفتیم خب علوفه که واردکردنی نیست، با این همه مراتع و مزارع و مانند اینها؛ گفتند علوفه احتیاج به فلان جنس دارد که این جنس در داخل کشور تولید نمیشود. گفتیم خب تولید کنید! یک جنس کشاورزی را - حالا بنده یادداشت دارم و اسمش هم مشخص است، نمیخواهم حالا بخصوص اسم بیاورم - میتوان تولید کرد و در داخل قابل تولید است، خب تولید کنید که مجبور نباشید علوفه‌ی گوسفندان خودتان را از خارج وارد بکنید. [پس] یکی مسئله‌ی واردات است که خیلی مهم است.

یکی [هم] مسئله‌ی قاچاق است. قاچاق کالاها بسیار مهم است. گفته میشود ۱۵ میلیارد دلار صرف قاچاق میشود؛ این عدد، حداقلی است که امروز گفته میشود؛ این خیلی رقم بالایی است؛ تا ۲۰ میلیارد و ۲۵ میلیارد هم گفته میشود! اینها ضربه‌ی به اقتصاد کشور است؛ جلوی قاچاق باید گرفته بشود. البته آن کسانی که مسئول مبارزه‌ی با قاچاقند، سوراخ دعا را گم نکنند! ما میگوییم بروید با باندهای قاچاق مبارزه کنید. من میگویم از مبادی رسمی کشور که جنس قاچاق وارد میشود، آن کسی که مأمور این کار است، خیانت نمیکند، [بلکه] کوتاهی میشود، خیانت نیست. به بنده گزارش دادند که از فلان بندر - یک بندر مشخصی - در روز مثلاً سه هزار تا پنج هزار کانتینر وارد کشور میشود. از مجموع این سه هزار یا پنج هزار، فقط ۱۵۰ کانتینر بازدید میشود! خب چرا؟ بقیه بازدید نمیشود و می‌آید؛ وقتی داخل انبار رفت، معلوم میشود که جنس قاچاق است که وارد شده است؛ [آن هم] از مبادی رسمی کشور! حالا آنچه از مرزهای غیررسمی وارد میشود که بحث دیگری است؛ یا از مناطق آزاد همین جور؛ باید جلوی اینها



گرفته بشود؛ و میتوانیم. من به رئیس‌جمهور محترم همین را گفتم و تذکر دادم که آن کسانی که صاحب‌نظر و مطلعند، گفتند که ما میتوانیم وسایلی بیاوریم که همین کانتینر را بدون اینکه احتیاج به توقف داشته باشد، در حال عبور بازدید کند؛ خب این ابزار را به وجود بیاورند؛ اگر لازم است بخرند یا وارد کنند یا تولید کنند. ما میتوانیم جلوی قاچاق را بگیریم. بنابراین یکی از مسائل مهم قاچاق است. مقصود ما این است، نه چیزهای جزئی؛ اینکه بروند در بازار رضای مشهد سراغ فلان فروشندگی [تو قاچاق وارد کردی] یا دم مرز، مثلاً فرض کنید [بروند سراغ] فلان خانواده را که با یک مختصر جنس کوچکی که از این [طرف مرز به آن [طرف] میبرد]، زندگی اش دارد میگذرد، مسئله اینها نیست؛ مسئله، آن حرکت عظیم قاچاق است.

وقت گذشت و صحبت ما خیلی طولانی شد؛ من مسئله‌ی اقتصادی را همین‌جا تمام کنم. البته در این زمینه حرفهای گفتنی و لازم زیاد است که خب آنچه باید به مسئولین گفته بشود به آنها گفته‌ایم و ان‌شاءالله باز هم خواهیم گفت. و همین مطالبی هم که عرض کردیم، به نظر ما قابل توسعه دادن و توضیح دادن و باز کردن و روشن کردن است و کسانی که اهل این کارها هستند باید انجام بدهند.

اما مسئله‌ی انتخابات؛ برادران و خواهران عزیز! انتخابات در کشور ما بسیار مهم است، نه فقط انتخاب ریاست جمهوری؛ انتخابات مجلس هم همین‌جور است، انتخابات شوراها هم همین‌جور است. انتخابات یکی از دو رکن مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی روی دو ستون ایستاده است؛ یکی از این دو ستون رأی مردم است، انتخابات است. ما به برکت انتخابات به دنیا فخر می‌فرشویم. دشمنان برای کوبیدن ملت ایران و جمهوری اسلامی انتخابات ما را ندیده میگیرند و متهم میکنند. این نشان میدهد انتخابات خیلی مهم است. (۱۰) انتخابات بسیار مهم است. مایه‌ی عزت ملتی است؛ مایه‌ی تقویت ملت ایران است؛ مایه‌ی آبروی ملت ایران است. البته در باب انتخابات ان‌شاءالله من باز هم صحبت خواهم کرد؛ آنچه امروز در [بارهی] مسئله‌ی انتخابات عرض میکنم این است که این یک پدیده‌ی اقتدارآفرین است؛ مردم دنیا، صاحب‌نظران دنیا در مقابل فکر مردم‌سالاری دینی که در دنیا مطرح شد، مجذوب شدند. در مقابل مکاتب گوناگون مثل لیبرالیسم و کمونیسم و فاشیسم و امثال اینها، امام بزرگوار مردم‌سالاری دینی را که همان جمهوری اسلامی است، وارد میدان کرد و ملت‌ها را و خواص را در همه‌ی امکانهای عالم، در همه‌ی کشورهای دنیا مجذوب خود کرد. این مردم‌سالاری دینی متکی است به انتخابات و باید در انتخابات واقعاً ملت ایران بدرخشد. آنچه من عرض میکنم و در درجه‌ی اول برای این حقیر مهم است، شرکت عمومی در انتخابات است و [اینکه] همه‌ی آحادی که میتوانند رأی بدهند و مشمول قانونند وارد انتخابات بشوند و انتخابات را پُرشور کنند؛ این اولین خواسته و مهمترین خواسته‌ی ما است.

آنچه در مورد انتخابات من عرض میکنم این است که در امر انتخابات مَرّ قانون باید عمل بشود؛ مَرّ قانون باید عمل بشود. نتیجه‌ی انتخابات ملت هرچه شد، این معتبر است، این قانون است. بنده در انتخاباتها دخالت نمیکنم؛ هیچ‌وقت به مردم نگفته‌ام و نمیگویم این کس را انتخاب کنید، آن کس را انتخاب نکنید. فقط یک جا بنده دخالت میکنم و آن جایی است که کسانی بخواهند در مقابل رأی مردم و انتخاب مردم بایستند و با مزاحمت در مقابل رأی مردم، رأی مردم را بشکنند. هرکس بخواهد با نتیجه‌ی آراء ملت دربیفتد، بنده در مقابلش می‌ایستم. در سالهای گذشته و انتخاباتهای گذشته هم همین‌جور بوده؛ در سال ۷۶ در سال ۸۴ در سال ۸۸ در سال ۹۲؛ بعضی مقابل چشم مردم بوده و مردم مطلع شده‌اند؛ بعضی را هم مردم مطلع نشده‌اند اما این حقیر در جریان قرار گرفته‌ام. در همه‌ی این سالهایی که شمردم، کسانی بودند که میخواستند در مقابل انتخابات بایستند؛ که در سال ۸۸ آشکار شد و



آمدند در میدان اردوکشی کردند، و در آن سالهای دیگر جور دیگری [بود]. در همه‌ی این سالها بنده ایستادم و گفتم نتیجه‌ی انتخابات مردم هرچه هست باید تحقق پیدا کند؛ این آنجایی است که من در امر انتخابات دخالت میکنم و در مقابل مخالفین و معارضین انتخابات می‌ایستم؛ اما در بقیه‌ی امور دیگر نه، باید مَرّ قانون عمل بشود؛ مردم تشخیص بدهند و حرکت کنند.

و من پیش‌بینی‌ام این است که به توفیق الهی انتخابات ما انتخابات پُرشوری خواهد بود، انتخابات فراگیری خواهد بود. امیدواریم ان‌شاءالله نتیجه‌ی انتخابات هم -چه در شوراها، چه در مورد ریاست جمهوری- چیزی باشد که موجب رضای الهی و سعادت ملت ایران باشد. و من می‌گویم انتخابات را خوب برگزار کنید؛ ملت سرافراز خواهد شد، ملت با انتخابات خوب پیش خواهد رفت و دشمن هم به توفیق الهی هیچ غلطی نمیتواند بکند.

پروردگارا! آنچه گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده و آن را به کرمت از ما قبول کن. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهیدان ما و روح مطهر امام بزرگوار را با ارواح مطهر شهدای صدر اسلام محشور بفرما. پروردگارا! این ارواح مطهره و منوره را از ما راضی کن. پروردگارا! قلب مقدّس ولی‌عصر ( ارواحنا فداه ) را از ما راضی بفرما؛ ما را سربازان این راه قرار بده. پروردگارا! همه‌ی ما را، زندگی ما و عمر ما را، ختم به خیر بفرما؛ برای این حقیر و هرکسی که علاقه‌مند است، شهادت را به‌عنوان آخرین پله‌ی زندگی ما قرار بده.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام والمسلمین سیدابراهیم رئیسی ( تولیت آستان قدس رضوی ) مطالبی بیان کرد.

۲) رواق امام خمینی ( ره )

۳) صحیفه‌ی سجّادیه، دعای هشتم

۴) از جمله، بیانات در دیدار مسئولان نظام ( ۱۳۹۵/۳/۲۵ )

۵) از جمله، بیانات در حرم رضوی ( ۱۳۹۳/۱/۱ )

۶) پرداختن

۷) کامل

۸) بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ( ۱۳۹۴/۸/۲۰ )

۹) یوزی رابین ( مدیر اسبق برنامه‌های دفاع موشکی اسرائیل )

۱۰) در پاسخ به شعار هیئات منّ الذّله برخی از حضّار، معظّم‌له فرمودند: توجّه کنید! اینجا اگر لازم است هیئات بگویید، بگویید هیئات از عدم انتخابات